

خبرها

خالق «مرد عنکبوتی» در گذشت



بخش فرهنگی – استن لی نویسنده مجموعه کتاب‌های مصور مارول که با خلق شخصیت هایی چون «مرد عنکبوتی»، «مرد آهنی»، «مردان ایکس» و «چهار شگفت‌انگیز» به سینمای برقرهرمانی جان بخشید، در سن ۹۵ سالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا به نقل از سی ان ان، لی با همکاری چند هنرمند دیگر از جمله «جک کربی» و «استیو دیتکو» شخصیت‌های کمیک زیادی را تحت عنوان مجموعه کتاب‌های مصور مارول خلق کردند که از آن جمله می‌توان به «مرد عنکبوتی»، «هالک»، «مردان ایکس»، «ثور»، «بلک پنتر»، «کاپیتان آمریکا» و «انتقام‌جویان» اشاره کرد که همه این داستان‌ها در سینما مورد اقتباس قرار گرفت و فیلم‌های موفق و پرفروشی بر اساس آنها ساخته شد.

گرچه استن لی در سال ۱۹۷۲ و پس از تغییرات مدیریتی، کمپانی مارول را ترک کرد اما تا آخر عمر به عنوان رئیس بازنشسته این کمپانی شناخته می‌شد و در بسیاری از فیلم‌هایی که بر اساس رمان‌های مصور مارول ساخته می‌شد، در نقش‌های کوتاهی مقابل دوربین می‌رفت.

«یهو جکمن» از جمله چهره‌های هالیوودی است که با واکنش به خبر درگذشت «استن لی» در صفحه توئیتر خود نوشت: «ما یک نابغه خلاق را از دست دادیم. او یک نیروی پیشگام در دنیای ابرقهرمانی بود و من به این افتخار می‌کنم که بخشی از میراث به‌جامانده از «استن لی» بودم و در نقش یکی از شخصیت‌های او بازی کردم.»

.....

وداع توئیتری هالیوود با خالق «مرد عنکبوتی»:

فراموشت نمی‌کنیم

بخش فرهنگی – با انتشار خبر درگذشت استن لی اسطوره دنیای مارول، بسیاری از افراد مشهور سینما از رابرت داونی جونیر و هيوجکمن تا کوین فایگی و دواین جانسون به وی ادای احترام کردند.

به گزارش مهر به نقل از میرر، استن لی خالق برخی از مهم‌ترین شخصیت‌های دنیای مارول از جمله «مرد عنکبوتی»، «مرد آهنی»، «مردان ایکس» و «چهار شگفت‌انگیز» روز دوشنبه ۱۲ نوامبر در سن ۹۵ سالگی در شهر لس‌آنجلس درگذشت.

بلافاصله پس از انتشار خبر درگذشت این اسطوره دنیای مارول، موجی از پیام‌های تسلیت از سوی اهالی سینما و رسانه، صفحات مجازی را در بر گرفت؛ موج گسترده‌ای که همچنان ادامه دارد.

یکی از نخستین واکنش‌ها به خبر درگذشت لی مربوط به رایان رینولدز بازیگر نقش ددپول یکی از شخصیت‌های مهم دنیای مارول بود. رینولدز در صفحه توئیتر خود چنین نوشت: «در آرامش بخواب استن... ممنون برای همه چیز».

رابرت داوون جونیرو ستاره «مرد آهنین» با گذاشتن عکسی از خود در کنار لی و قرار دادن یک قلب در وسط عکس نوشت:

«من آن‌ها را همه به تو مدیون هستم در آرامش بخواب استن.»

کوین فایگی رییس استودیوهای مارول گفت: «هیچ کسی تاثیری بیش‌تر از استن لی بر کار من و هر آنچه در مارول انجام می‌دهیم نداشته است. استن لی میراث خارق‌العاده‌ای به ما می‌گذارد که برای ما همیشه پابرجاست.»

یهو جکمن بازیگر «مردان ایکس» نیز چنین واکنش نشان داد: «ما یک نابغه خلاق را از دست دادیم. استن لی یک نیروی مبتکر بود. در دنیای ابرقهرمان‌ها بود. افتخار می‌کنم که بخش کوچکی از میراث او برای آوردن یکی از شخصیت هایش به زندگی بوده ام.»

کریس اوانز بازیگر «کاپیتان آمریکا» هم گفت: «هرگز استن لی دیگری نخواهیم داشت.»

انجلین لیلی بازیگر نقش هوب پیم در «مرد مورچه‌ای» نیز عکسی از خودش و استن لی در صفحه توئیترش منتشر کرد و نوشت: «استن...بیشتر از یک استاد قضاها بود. تو همیشه شبیه یک استاد زندگی می‌کردی. برای ادامه زندگی‌ما از دیدن تو الهام خواهم گرفت. تو هنوز زندگی می‌کنی.»

دگار رایت فیمنامه‌نویس «مرد مورچه‌ای» گفت: «استن لی در آرامش بخواب...ممنون که الهام بخش شدی تا ما قلم و خودکار را برداریم و روایهای تو را روی کاغذ بیاوریم.»

دواین جانسون بازیگر و کشتی گیر آمریکایی هم نوشت: «چه انسانی...چه زندگی‌ای. وقتی نخستین بار در هالیوود آس و پاس شدم. او با آغوش باز از من استقبال کرد و من را نصیحت یاقلان‌های کرد که برای همیشه آن را در دل خواهم داشت. یک شبایل واقعی که دوست‌هایی را در اطراف دنیا تحت تاثیر قرار داد. در آرامش بخواب دوست من.»

دانی کیتس نویسنده کتاب‌های کمیک در صفحه توئیترش نوشت: «لطفاً به من بگوئید این خبر استن لی جعلی است. من برای این خبر آمادگی ندارم.»

جیمز کولن برسک تهیه‌کننده جوان سینما گفت: «خبر دردناک..»

در آرامش بخواب استن لی..تو دنیای کتاب های مصور و سینما را برای همیشه دگرگون کردی.»

میری بابی براون هنرپیشه جوان انگلیسی هم در صفحه توئیترش نوشت: «فراموشت نخواهیم کرد...در آرامش بخواب.»

جیمی لی کرتیس بازیگر فیلم «هالووین» نیز در قسمتی از پیام خود برای استن لی نوشت: «تو همیشه یک ابر قهرمان بوده ای و خواهی بود.» لری کینگ مجری مشهور آمریکایی نیز گفت: «امروز یک قهرمان دنیای واقعی را از دست دادیم، استن لی رویاپردازی بود که تخیل را در سراسر جهان جاه و جلال بخشید، به خاطر زمانی که با من گذراند از او متشکرم. در آرامش بخواب استن.» این‌ها تنها بخشی از فهرست بلند بالای افرادی بودند که به استن لی پدر ابرقهرمان‌های مارول ادای احترام کردند.

{ فرهنگ و هنر }

گفت و گو با کریم مجتهدی دربارهٔ عالمِ فئودور داستایفسکی:

شخصیت‌های ارواح گونه فئودور

خود یک هنر است چون ابعاد پیچیده‌ای دارند، طوری که شما نمی‌توانید پیش بینی شان کنید. فکر می‌کنید یک شخصیت بدجنس است اما ناگهان می‌بینید کاری خلاف انتظار شما انجام می‌دهد. شخصیت‌های او زنده اند.

♦ **چطور موفق شده این کار را بکند؟**

برای این که این‌ها در خودش منکس شده است. تمام حالات خودش را از طریق این‌ها شرح داده است؛ زن، مرد، پیر و جوان. من قاطعانه نمی‌گویم اما نکته‌ای هست که بعضی نویسندگان بزرگ مثل پیراندلو درباره اش بحث کرده‌اند. این که قهرمان‌های داستایفسکی از خالقشان اطاعت نمی‌کردند. قدرتشان در این است. پیش ساخته نیستند. داستایفسکی نمی‌گوید راسکولنیکف این است، خود راسکولنیکف به میدان می‌آید و نشان می‌دهد کیست. به عقیده من خود داستایفسکی موقع نوشتن متعجب می‌شد از رو به رو شدن با شخصیت‌ها و عملکردشان. او دالما خواننده را از طریق قهرمان هایش با ناشناخته مواجه می‌کند.

♦ **فضایی که می‌سازد هم به نحوی تحلیلی است. این فضاهازی هم ریشه در نگاهی فلسفی دارد؟**

نکته دیگر در مورد داستایفسکی این است که خیلی روس است. در سنت‌های مسیحی کاتولیک اروپایی گناهکاران می‌روند به کلیسا و پیش کشیش اعتراف می‌کنند. گویا برای روس‌ها این کافی نیست. از نظر روس‌ها اگر بخواهید روح تطهیر شود، باید گناهشان را علنی کنند؛ یعنی در جمع اعتراف کنند. صحنه‌هایی در رمان‌های داستایفسکی هست شبیه چیزی که روانشناسان امریکایی به آن درام اجتماعی یا دارم نفسانی می‌گویند. افراد بیمار گرد هم جمع می‌شوند، حرف می‌زنند، خودشان را بیان می‌کنند، قضاوت می‌کنند و روانشناس وضع آن‌ها را یادداشت می‌کند؛ شبیه تئاتر. آن‌ها ثابت می‌کنند با این‌به اشتراک گذاشتن با جمع و اعتراف و تحلیل حالا خود می‌توانند بهبود پیدا کنند. درواقع از موقعیتی که درگیرش بوده‌اند، عبور می‌کنند.

♦ **چنین موقعیتی را در برخی صحنه‌های رمان‌های او می‌بینیم، برای مثال در رمان «بله».**

بله، صحنه‌ای در رمان ابله هست که می‌بینید تمام شخصیت‌ها به علتی در یک جلسه حضور پیدا کرده‌اند. زنی را می‌خواهند شوهر بدهند و چون زن درستی نبوده می‌خواهند به داماد پول بدهند. از طرف دیگر مردی که عاشق آن زن است آمده تا نگاردار این اتفاق بیفتد. پرسن مشیکین آن جاست چون خانه خودش متعجب، خواهرش آن جاست، مردی هست که می‌گوید اگر خدا نباشد هر کاری مباح است ... شما در این صحنه اوج رمان نویسی را می‌بینید. من در هیچ کدام از رمان‌های اروپایی چنین صحنه‌ای از چیزی شبیه به سوسیودرام را با این شدت ندیده‌ام.

شما می‌بینید یک دفعه پانزده نفر در یک جلسه ناخواسته شرکت کرده‌اند و فضای جلسه طوری است که هر کس دارد خودش را اعتراف می‌کند. اصلاً چیز عجیبی است. زن پول را توی آتش پرت می‌کند، یک نفر دیگر می‌آید پول را از آتش بیرون بیاورد، هر کسی چیزی می‌گوید، پرسن مشیکین می‌گوید بس که این زن رنج کشیده خودم باید با او ازدواج کنم ... این از عهده داستایفسکی بر می‌آید چون خودش هم مثل قهرمان هایش است. خودش بیمار است و حس‌ها و حالت‌های گوناگون را می‌شناسد.

♦ **با این وجود داستایفسکی نه تنها آدم‌ها را تحلیل می‌کند که با تحلیل موقعیت هم ناید در این‌جا نکته‌ای را متذکر شوم. برخی فکر می‌کنند داستایفسکی فقط حالات درونی انسان‌ها را می‌نویسد و با جامعه کاری ندارد. درست‌عکس این است. بله‌او حالات درونی را می‌نویسد اما نه مثل فروید که براساس تمایلات جنسی روانکاو می‌کند؛ این نیست و بیشتر از این است. او شان انسان را مطرح می‌کند. درواقع آدم ابوالبشری را به تصویر می‌کشد که از بهشت طرد شده و بی‌پناه است.**

آدم‌ها در رمان‌های او ملجا و پناهگاهی ندارند. دیگر این‌که آن‌ها در مقابل نگاه خداوند هستند. این رمان‌ها صرفاً شرح حالت‌های درونی شخصیت‌ها نیستند، بلکه جامعه روسیه است که در این‌ها به تصویر کشیده می‌شود. یعنی روسیه آن زمان در درون این آدم‌ها برلما می‌شود. درون آن‌ها آینه اجتماع است. او اجحاف‌های جامعه روسیه آن دوره را نشان می‌دهد.

♦ **و تضادهای هم نشان می‌دهد.**

تضادها، تضادهای خود نویسنده هستند. البته این را بگویم که داستایفسکی یک رمان نویس بزرگ است اما نمی‌توان تاثیر سنت داستان‌نویسی و ادبیات روسیه را نادیده گرفت. داستایفسکی عاشق پوشکین است. پوشکین هم البته برای خود داستان جداگانه و جایگاه والایی در ادبیات روسیه دارد. پوشکین در آثارش ظرافت‌هایی دارد که دیگران ندارند. کسانی که زبان روسی را می‌شناسند می‌گویند زبان آثار پوشکین فوق‌العاده و مثل شعر است. با این حال کسی که داستایفسکی به‌او اقتدا می‌کند گوگول است. گوگول بزرگ‌ترین نویسنده واقع‌نگار روس است و داستایفسکی به دنبال سنت او رفته است. با وجود این، زبان گوگول صریح‌تر و مشخص‌تر است و مثل فضای داستان‌های داستایفسکی در حاله‌ای از ابهام نیست. ولی داستایفسکی در جوانی بیشتر از هر چیز آثار دیکنز را خوانده است. بعضی آثار داستایفسکی مثل آزردهگان خیلی شبیه رمان‌های دیکنز است و حتی نکات تقلیدی دارد.

او باآزاک هم می‌خواند و به قدری می‌پسندیده که رمان هایش را به روسی ترجمه کرده. او مترجم ژرژ ساندم هم هست. با این حال او با همه این‌ها فرق دارد. او آثار نویسندگان بزرگ را خوانده و کسی نیست که بی‌گدار به آب زده باشد. البته با یک استعداد استثنایی.

♦ **چه جور استعدادی؟**

من فکر می‌کنم داستایفسکی وقتی این رمان‌ها را می‌نوشته از خود بی‌خود می‌شده است. مثل کسی که روح احضار می‌کند. او سلامت نبوده و قهرمان هایش مثل ارواح احضارشده می‌آمدند و خودشان را بیان می‌کردند. برای همین است که تصعی نیستند.

پیراندلوی ایتالیایی در نمایشنامه «شش شخصیت در جست و جوی نویسنده» این موقعیت را نشان می‌دهد. داستان نمایشنامه نویسی است که یک جایی در میانه کار گیر می‌کند، بعد شخصیت‌ها خودش‌ان می‌آیند روی صحنه و خودشان کار را پیش می‌برند. شخصیت‌ها اصلاً دیگر با نویسنده کاری ندارند. از او پیروی نمی‌کنند. من این نمایش را در جوانی در پاریس دیده‌ام. این نکته در کارهای داستایفسکی هست. شخصیت‌ها در عین حال که ساخته داستایفسکی هستند اما مختار و آزادند. چه خودشان متکی هستند و قائم به ذاتند.

♦ **جدال ایمان و ظاهر در آثار داستایفسکی یکی از نکاتی است که به چشم می‌آید. این نکته ظاهراً به عمق آثار او می‌افزاید. این طور نیست؟**

فکر می‌کنم بهترین مثال برای این موضوع در برداران کارامازوف است. در این کتاب یک روز الیوشا می‌رود نزد ایوان. ایوان متنی را برای او می‌خواند به نام مفتش بزرگ. این مفتش بزرگ در نظر داستایفسکی کلیسای کاتولیک است. ایوان که دالما در تردید است این متن را برای الیوشا می‌دهد و می‌خواهد کشیش شود، می‌گوید که اگر بخواهم همین داستایفسکی در آن دخالتی ندارد. داستان این است که مسیح بر می‌گردد و مفتش بزرگ از او می‌خواهد که دوباره برود و نیباشد.

داستایفسکی فکر می‌کند که سازمان‌های دینی در اروپا مسیحیت را ضبط کرده‌اند و خودش را نمی‌خواهند. آن بخشش و رحمت مسیح را نمی‌خواهند. منتقد کلیساست. این را ایوان یا داستایفسکی افشاگری می‌کند اما با اصلش کنار می‌آید. وقتی مفتش بزرگ مسیح را رد می‌کند، مسیح روی او را می‌بوسد. مسیح او را می‌بخشد و مفتش مسیح را رد می‌کند. فکر می‌کنم آثار داستایفسکی به سبک خاصی عمیقاً دینی است. تمام قهرمان‌ها گویی زیر نظر خداوند هستند و مسئولیتشان بالاتر از جامعه است. وجدانی وجود دارد که رفتار آن‌ها را ضبط می‌کند. یعنی شاید با دین رسمی مسیحی به خصوص از نوع غربی و اروپایی اش مخالف باشد و ظاهر دین را قبول نداشته باشد، اما در باطن رحمت آن را قبول دارد. ♦ **این که داستایفسکی می‌گوید و در کتاب شما آمده است که اگر بخواهم همین مسیح و حقیقت انتخاب کنم، مسیح را بر می‌گزینم. چیزی شبیه به این؟**

درست است. حقیقت انتزاعی است. خداوند مسئله ریاضی نیست که بتوانیم بگوییم دو به اضافه دو و پاسخش را بدانیم. درکش به یک حس درونی نیاز دارد. یعنی چیزی انضمامی که راجع به آن نمی‌خواهم استدلال کنم. می‌خواهم به حقیقت عشق بورزم. بعضی در درس‌های کلامی راجع به این انشا می‌توانند. یکی فقط لفظ است و دیگری چیزی واقعی‌تر. داستایفسکی آن را می‌خواهد.

چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۷

خبرها

کشف ۵۰ داستان کوتاه از برنده نوبل ادبیات

بخش فرهنگی – نسخه‌های دست‌نوشته از ۵۰ داستان کوتاه نوشته «نجیب محفوظ» نویسنده مصری برنده نوبل ادبیات در خانه دخترش پیدا شد. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، این دست‌نوشته‌ها توسط «محمد شوعیر» خبرنگار مصری در خانه دختر «محفوظ» و در داخل جعبه اوراق این نویسنده پیدا شده و در حالی که برخی از آنها پیش از این در مجلات منتشر شده بود، ۱۸ داستان کوتاه آن تاکنون منتشر نشده‌اند.

این داستان‌های حکایت‌مانند قرار است از تاریخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۸ همزمان با تولد این نویسنده مصری به زبان عربی منتشر شود و از پانز سال آینده نیز توسط انتشارات «راجر آلن» به زبان انگلیسی عرضه خواهد شد.

«محفوظ» در پائین این دست‌نوشته‌ها آورده است «برای انتشار ۱۹۹۴». در این برهه زمانی که «نجیب محفوظ» ۸۲ ساله بوده دوران بسیار دشواری را پشت سر می‌گذاشت چرا که تهدید به قتل شده بود و توسط پلیس محافظت می‌شد، با این‌وجود یکی از اعضای گروه‌های افراطی در همان سال و خارج از شهر قاهره با چاقو به او حمله کرد. وی از این حمله جان سالم به در برد اما به سبب آسیب به عصب‌های دست راستش تنها می‌توانست روزانه چند روز بنویسد، بنابراین از آن پس بیشتر داستان‌هایش را برای دیگران دیکته می‌کرد.

«نجیب محفوظ» به محبوب‌ترین رمان‌نویس دنیای عرب شناخته می‌شود، متولد ۱۹۱۱ در قاهره، در طول ۷۰ سال فعالیت ادبی خود بیش از ۵۰ رمان، پنج نمایشنامه، ۳۵۰ داستان کوتاه و ده‌ها فیلمنامه را به نگارش درآورد و بسیاری از کارهای او در مصر و کشورهای دیگر مورد اقتباس تلویزیونی و سینمایی قرار گرفته‌اند. او در سال ۱۹۸۸ توانست عنوان اولین نویسنده عرب برنده جایزه نوبل ادبیات را کسب کند. «گدا»، «کوچه صادق»، «خواب» و «جنایت»، «در گذر قصر»، «پسر سایبان»، «راه» و «وراجی روی نیل» از جمله کتاب‌هایی هستند که تاکنون از وی به زبان فارسی منتشر شده است.

.....

جایزه بهترین انیمیشن سینمایی آجایو به «آخرین داستان» رسید

بخش فرهنگی – «آخرین داستان» به نویسندگی و کارگردانی اشکان رهگذر برنده جایزه بهترین فیلم بلند جشنواره بین‌المللی انیمیشن آجایو شد.

به گزارش ایلنا، انیمیشن بلند سینمایی «آخرین داستان» به نویسندگی و کارگردانی اشکان رهگذر برنده جایزه بهترین فیلم بلند سومین جشنواره بین‌المللی انیمیشن آجایو (THE ۳ RD INTERNATIONAL ANIMATION FESTIVAL AJAYU) در کشور پرو شد.

پرویز پرستویی، لیلی حاتمی، حامد بهداد، اشکان خلیلی، بیتا فرهی، اکبر زنجان‌پور، فرخ نعمتی، حسن پورشیرازی، باران کوثری، مجید مظفری، شقایق فراهانی، ملیکا شریفی‌نیا، زهیر یاری، و بانپال شومون از گویندگان نقش‌های این انیمیشن هستند. انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» به تهیه‌کنندگی احسان رسول‌اف و تولیدشده در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان موفق به دریافت جایزه ویژه هیئت‌داوران در بخش سینمای ایران و جوایز بهترین کارگردانی و فیلم‌نامه در بخش بین‌الملل و جایزه کوکومیکس موسیقی بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم فانتزی بوچئون کره شده بود.

جشنواره بین‌المللی انیمیشن آجایو با هدف ترویج

صنعت انیمیشن و باز کردن پنجره‌های این هنر به مخاطبان درشهر پونو کشور پرو برگزار می‌شود.

.....

منوچهر والی‌زاده به رادیو برمی‌گردد

بخش فرهنگی – منوچهر والی‌زاده را بیشتر با صدای خاصش می‌شناسند؛ صدای منطقی که می‌تواند به جای یک پسر ۱۸ ساله یا پیرمرد ۷۰ ساله صحبت کند، این هنرمند مجموعه‌ی «خانه پوشالی» را که یک سریال سیاسی است و به تازگی از تلویزیون بخش می‌شود، دوبله کرده است. وی درباره‌ی جذابیت‌های دوبله آثار سیاسی و همچنین بازگشت دوباره‌اش به رادیو مطالبی را عنوان کرد. این گوینده و پیشکسوت عرصه دوبله در گفت‌وگو با ایسنا، درباره فعالیت‌های اخیرش در رادیو و همچنین عرصه دوبله اظهار کرد: پس از درگذشت صادق عبداللهی به رادیو نرفتم و مدتی بود برنامه‌های که در رادیو صبا داشتم را اجرانمی‌کردم، اما از هفته آینده قرار است دوباره به رادیو برگردم.

او که با اعلام اینکه به تازگی سریال کرامی «لوک نیو» را دوبله کرده است، در این زمینه توضیح داد: البته جز این‌ها آثار دیگری برای دوبله نیست؛ به دلیل این که شخصیت‌ها در این قبیل آثار معمولاً پوشش مناسبی دارند و روابط خانوادگی آنها با کشورمان همخوانی دارد. به همین دلیل بیشتر مورد تایید تلویزیون قرار می‌گیرد.